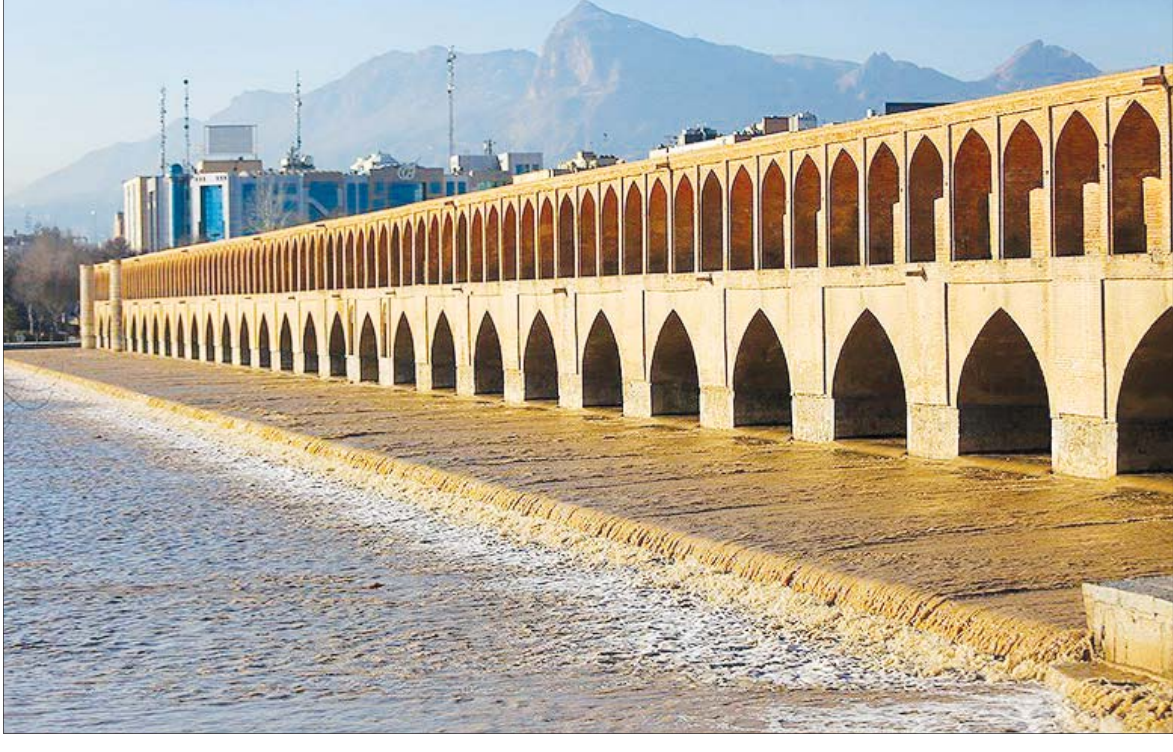


# شترق

آب زاینده‌رود برای کشت کشاورزان شرق اصفهان به مدت ۱۲ روز رهاسازی شد. / عکس: مرتضی صالحی، تسنیم



#### برده نقر ای

## در ستایش تلاش برای حفظ محیط زیست

#### گیسو فغفوری

بیش از چهار سال است که گروهی از مدافعان محیط زیست در زندان هستند. آنان بهمن و اسفند ۹۶ بازداشت شدند. یکی از آنان کیکاووس امامی در زندان جان باخت و در حالی که وزارت اطلاعات دولت روحانی بارها آنها را از موارد اتهامی میرا دانسته، اما در آبان ۹۸ احکامی سنکین از شش تا ۱۰ سال زندان برایشان صادر شد. نامه‌هایی که یکی از زنان مدافع محیط زیست درباره رفتارهایی که با او در مدت بازداشت شده بود به رهبری، احساس بسیاری را جریحه‌دار کرد. مرگ مادر سام رجبی در تتهایی و بدون اینکه پسرش بتواند او را برای لحظات آخر ببیند، یکی دیگر از اتفاق‌های تلخ درباره این افراد بود. یادکردن از آنها در موقعیت‌های مختلف ناگزیر است؛ وقتی پروژه احیای یوزپلنگ ایرانی متوقف می‌شود یا موارد دیگر! در این بین، حالا کرد در جشنواره فیلم فجر امسال که به نمایش و انتخاب فیلم‌های متوسط و ضعیف شناخته شده، فیلمی درباره محیط زیست و علاقه به محیط اطراف بیبئی، نمی‌توانی به یاد آنها زینتی. می‌دانی که این موضوع ناخودآگاه است و هیچ ربطی به فیلم ندارد، اما همان لحظه‌ها هم خوشحالی که چه خوب که این فیلم‌ها ساخته می‌شوند، نه از آن‌رو که اثر سینمایی فوق‌العاده‌ای هستند یا قرار است سواد و اندیشه کارگردانش را نشان دهند، از این جهت که قرار است کسانی را که خدمات و زحماتشان دیده نمی‌شوند، یادآوری کنند.

یکی از فیلم‌هایی که از همین الان هم معلوم است چندان مورد استقبال جشنواره‌ها و البته تماشاگران قرار نمی‌گیرد، فیلم «برف آخر» ساخته



www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۰ • ۳ رجب ۱۴۴۳ • ۵ فوریه ۲۰۲۲  
سال نوزدهم • شماره ۴۲۱۳ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۷:۵۵  
اذان صبح فردا ۵:۳۵ • طلوع آفتاب ۷:۰۰

fardashargh@gmail.com

**روزنامه‌فرو**

هنگامی که از توسعه و بالندگی (رشد) چشمگیر کشورها سخن به میان می‌آید، نمونه برجسته آن ژاپن است. ژاپن پس از دهه‌ها جنگ و زورآزمایی با همسایگان و قدرت‌های جهانی و در پی ویرانی بمباران اتمی، قفقوس‌وار از خاکستر تعصب سنتی و چالش‌های گوناگون برخاست. برای ما در این سوی آسیا که درست هم‌هنگام با روند توسعه ژاپن تقلاهایی برای توسعه را تجربه می‌کردیم، کمتر پیش آمده که داستان توسعه ژاپن را از نگاهی ایرانی بازخوانی کنیم. در هفته‌های گذشته نشر نی کتابی به قلم دکتر محمد نقی‌زاده، تنها ایرانی‌ای که نشان عالی «امپراتوری» ژاپن در مراسمی رسمی در سال ۲۰۰۸ به ایشان پیشکش شده، چاپ کرد. نویسنده که تجربه تلاش‌هایش در دهه ۴۰ و ۵۰ خورشیدی در پایه‌ریزی صنعت و شهرسازی ایران را هم در پیش‌درآمد بازگو کرده، می‌کوشد در جهان کروئایی و با تجربه‌ای امروزی داستان توسعه شکفت‌انگیز و «رشد سریع» ژاپن پس از جنگ را با بررسی سندها، آمار و هم‌نشینی و گفت‌وگو با نقش‌آفرینان که او با نام «راویان» یاد کرده، بازشناسی کند و در این‌کار همواره به مقایسه میان وضعیت ایران با ژاپن می‌پردازد. کتاب «در جست‌وجوی شش هزار روز گذشته: روایتی از دوران رشد سریع ژاپن پس از جنگ، پیشینه تاریخی و تحولات اجتماعی-اقتصادی پس از آن» نوشته‌ای در زمینه سیاست اقتصادی، توسعه صنعتی و جامعه و حکومت ژاپن است که در ۴۴۸ صفحه با ویراستاری امید محمدحیدر از سوی نشر نی در سال ۱۴۰۰ برای نخستین بار چاپ شده است. ساختار کتاب دربردارنده شناسنامه و سیاهه، پیشگفتار، پیش‌درآمد، ۱۰ گفتار و بخش سخن پایانی به همراه پیوست‌هاست. نقی‌زاده می‌کوشد در این نوشته روند ۲۳ سال تلاش سازمان‌یافته ملت و حکومتی را بازشناسی کند که در پی دو بوم اتمی و ۵۰ سال جنگیدن با این و آن، در سوگ بیش از صد هزار نفر کشته‌شده تجربه هولناک هیروشیما و ناگازاکی و ناچار از پذیرش دردناک شکستی سهمگین، تومی توان فرسا و کمبودهای جدی بودند. او از رشد سریع ۲۳ساله جامعه‌ای دچار جنگ‌های ۵۰ساله، سنت‌های تعصبی-توفان، سیل، زلزله‌های روزانه، آتشفشان و سونامی و بمب اتمی می‌گوید که تصمیم گرفت به جای فرافکنی و هدر دادن وقت به کله‌گزاری از این و آن بر پایه دانایی، انتخاب و دگرگونی بنیان‌های فلسفی و اندیشه‌ای اداره زندگی و کشور به پشتوانه آفریندگی (خلاقیت)، آن‌هم نه در شعار بلکه در کار و کشش، به پیش برود تا جایی که از وضعیت ویران شکست مطلق کرده باشد، چون قرار بود به مردی مسن که شب‌ها مست می‌کرد و دست بزین داشت، شوهر داده شود. ما کم‌کم با زن مدافع محیط زیست و چارچوب‌های مردانه‌ای که برایش ترسیم شده و البته قدرت عشق و علاقه‌اش آشنا می‌شویم. فرات است شخصیتی که از زن مدافع محیط زیست ساخته شده، فرات از «کلیشه» باشد؛ زنی که برای خواسته‌هایش بجنگد حتی اگر لازم است از دیوار بی‌بالا رود، مردانه دعوا کند، از تنهایی نهراسد، عاشق شود و در نهایت برود جوری که دیگر نشود او را پیدا کرد. اما مردان نگاه انحصارگرایانه خود به زنان مستقل را با جملاتی واضح بیان می‌کنند. وقتی یکی از شخصیت‌ها با حسرت از این زن یاد می‌کند و می‌گوید اگر من او را داشتم دیگر هیچی نمی‌خواستم، می‌انداختمش در اتاق و در را رویش قفل می‌کردم و کلیدش را قورت می‌دادم! یا دیگری می‌گوید کم آورد و رفت!

بازیکران فیلم امین حیایی، لادن مستوفی و مجید صالحی در ایفای نقش خود موفق بوده‌اند، اما کارگردان زمان ۱۲۰دقیقه‌ای را مناسب بازگویی داستانش می‌داند و تمام تلاشش را کرده تا جزئیات کند و به تدریج برملا شود. به‌عنوان تماشاگر اتفاقاً صحنه‌هایی که در طبیعت می‌گذشت، در برف جست‌وجو می‌کردند یا هنگامی که می‌خواستند گرگ‌ها را آزاد کنند یا چشم‌اندازهای آخر فیلم که گرگ تنها در بستر برقی کوه حرکت می‌کند، دیدنی بود. این فیلم سعی خودش را کرده تا به تلاش‌های علاقه‌مندان محیط زیست اشاره داشته باشد؛ کسانی که در ظاهر قانون همراه آنهاست، اما هر چند وقت یک بار خیر کشته‌شدنشان در طبیعت به دست قاچاقچیان با... منتشر می‌شود یا قرار است به دلیل شلیک... اعدام یا به بهای حفاظت از محیط زیست، زندانی شوند.

#### هنر هفتم

## «بانو»، تولید مشترک ایران و جمهوری آذربایجان مقابل دوربین می‌رود

«بانو» در جمهوری آذربایجان یا همکاری مشترک عوامل فنی دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان فیلم‌برداری خواهد شد.

اطلاعات بیشتر در این زمینه در سایت https://www.labiennale.org/en قابل دسترسی است.

### هفت‌نوشته

## بازخوانی ایرانی رشد سریع ژاپن



**الهام فخاری**

متخصص به‌ویژه ایرانی در سراسر جهان کپرا بود، یاد کرده است. او گوشه‌ای از برپایی کارخانه ذوب‌آهن اصفهان را با وجود بازدیدهای آمریکا، ژاپن و آلمان از توسعه صنعت فولاد در ایران، بازگو و اشاره می‌کند که چرا حکومت وقت ناگزیر شد فناوری تولید فولاد را از روسیه بگیرد و دراین‌میان تجربه شیرین خود پیش از مهاجرت به ژاپن، برای ساخت تصفیه‌خانه و بازچرخانی پساب صنعتی و به‌کارگیری در نهال‌کاری و جنگل‌کاری در ذوب‌آهن در دهه ۵۰ را می‌گوید، توسعه‌ای که البته دچار سکت‌ه و ترمزها و کشمکش‌هایی بوده و هست که به باور او برخاسته از «پروژه»‌ای دیدن توسعه خودداری از فهم «روند/ فرایند (پروسه)»‌ای بودن توسعه است. هر دوره‌ای هرکس که قدرتی دارد کوششیده چند پروژه به پیش ببرد که مانند دانه‌های پراکنده تسبیح یا واگن‌های قطار کاری به پیش نمی‌برند. نقی‌زاده از «شرم از عقب‌افتادن» به‌مثابه یک ویژگی ژاپنی‌ها نام می‌برد و آن را در دوران پسامیچی یک عامل غیرمادی توسعه این ملت و دولت می‌داند؛ درست هم‌هنگام با برخی کشورهایلی که با وجود بهره‌مندی از آخرین فناوری‌ها و لوکس‌ترین خودروها و خانه‌های بخش کوچکی از جامعه، کشورشان را از منابع خام طبیعی تهی می‌کنند و به فاجعه درخودمادگی، پناهندگی و موج مهاجرت جوانان‌شان بها نمی‌دهند. او یکی از بازدارنده‌های توسعه در ایران را وابستگی اعتمادوار ایران به فروش نفت که ایران را در دهه ۷۰ مسیحی به زمین زد، برمی‌شمرد؛ ولی به تجربه از خاک برخاستن ژاپن پس از جنگ و بمب‌های اتمی هم اشاره و مقایسه می‌کند. چرا ژاپن پس از آن ویرانی تاریخی و نیم‌سده جدال با دیگران توانست جامعه و حکومت ژاپن است که در ۴۴۸ صفحه با ویراستاری امید محمدحیدر از سوی نشر نی در سال ۱۴۰۰ برای نخستین بار چاپ شده است. ساختار کتاب دربردارنده شناسنامه و سیاهه، پیشگفتار، پیش‌درآمد، ۱۰ گفتار و بخش سخن پایانی به همراه پیوست‌هاست. نقی‌زاده می‌کوشد در این نوشته روند ۲۳ سال تلاش سازمان‌یافته ملت و حکومتی را بازشناسی کند که در پی دو بوم اتمی و ۵۰ سال جنگیدن با این و آن، در سوگ بیش از صد هزار نفر کشته‌شده تجربه هولناک هیروشیما و ناگازاکی و ناچار از پذیرش دردناک شکستی سهمگین، تومی توان فرسا و کمبودهای جدی بودند. او از رشد سریع ۲۳ساله جامعه‌ای دچار جنگ‌های ۵۰ساله، سنت‌های تعصبی-توفان، سیل، زلزله‌های روزانه، آتشفشان و سونامی و بمب اتمی می‌گوید که تصمیم گرفت به جای فرافکنی و هدر دادن وقت به کله‌گزاری از این و آن بر پایه دانایی، انتخاب و دگرگونی بنیان‌های فلسفی و اندیشه‌ای اداره زندگی و کشور به پشتوانه آفریندگی (خلاقیت)، آن‌هم نه در شعار بلکه در کار و کشش، به پیش برود تا جایی که از وضعیت ویران شکست مطلق کرده باشد، چون قرار بود به مردی مسن که شب‌ها مست می‌کرد و دست بزین داشت، شوهر داده شود. ما کم‌کم با زن مدافع محیط زیست و چارچوب‌های مردانه‌ای که برایش ترسیم شده و البته قدرت عشق و علاقه‌اش آشنا می‌شویم. فرات است شخصیتی که از زن مدافع محیط زیست ساخته شده، فرات از «کلیشه» باشد؛ زنی که برای خواسته‌هایش بجنگد حتی اگر لازم است از دیوار بی‌بالا رود، مردانه دعوا کند، از تنهایی نهراسد، عاشق شود و در نهایت برود جوری که دیگر نشود او را پیدا کرد. اما مردان نگاه انحصارگرایانه خود به زنان مستقل را با جملاتی واضح بیان می‌کنند. وقتی یکی از شخصیت‌ها با حسرت از این زن یاد می‌کند و می‌گوید اگر من او را داشتم دیگر هیچی نمی‌خواستم، می‌انداختمش در اتاق و در را رویش قفل می‌کردم و کلیدش را قورت می‌دادم! یا دیگری می‌گوید کم آورد و رفت!

بازیکران فیلم امین حیایی، لادن مستوفی و مجید صالحی در ایفای نقش خود موفق بوده‌اند، اما کارگردان زمان ۱۲۰دقیقه‌ای را مناسب بازگویی داستانش می‌داند و تمام تلاشش را کرده تا جزئیات کند و به تدریج برملا شود. به‌عنوان تماشاگر اتفاقاً صحنه‌هایی که در طبیعت می‌گذشت، در برف جست‌وجو می‌کردند یا هنگامی که می‌خواستند گرگ‌ها را آزاد کنند یا چشم‌اندازهای آخر فیلم که گرگ تنها در بستر برقی کوه حرکت می‌کند، دیدنی بود. این فیلم سعی خودش را کرده تا به تلاش‌های علاقه‌مندان محیط زیست اشاره داشته باشد؛ کسانی که در ظاهر قانون همراه آنهاست، اما هر چند وقت یک بار خیر کشته‌شدنشان در طبیعت به دست قاچاقچیان با... منتشر می‌شود یا قرار است به دلیل شلیک... اعدام یا به بهای حفاظت از محیط زیست، زندانی شوند.

#### چهره هفته

## سیدحسین عاملی، امام جمعه اردبیل چهره هفته «شرق» شد

در رقابتی نزدیک و تنگاتنگ در این هفته سیدحسین عاملی، امام جمعه مردم اردبیل، با رأی کاربران «شرق» به‌عنوان چهره هفته انتخاب شد. او در هفته گذشته و در خطبه‌های نماز جمعه تحلیلی از ارتباط صعود ایران به جام جهانی و فشارهای جهانی در مذاکرات هسته‌ای ارائه داده بود. چند روز قبل از خطبه‌های نماز جمعه هفته قبل تیمس ملی ایران با پیروزی برابر عراق و واکنش برانگیز بود که آقای سفیر مجبور به توضیح درباره این اشتباه شد و اعلام کرد مدتی است چشم چپش تار شده و این اشتباه رخ داده است. عاملی ۵۵ درصد آرای کاربران «شرق» را به خود اختصاص داد و به‌اروند هم ۴۵ رأی را از آن خود کرد. نظرسنجی چهره هفته «شرق» هر پنجشنبه در حساب اینستاگرام «شرق» برگزار می‌شود و چهره هفته در یک نظرسنجی ۲۴ساعته با رأی کاربران تعیین می‌شود.

sharghdaily1

### زیر آسمان ایران

### بی‌توجهی به گویاکردن آثار برای ناینیان

● مسئله خدمات‌رسانی به ناینیانسان از آن داستان‌های پیر از آب چشم در ایران است. جمعیت بزرگ ناینیانسان در ایران از خدمات مناسبی برخوردار نیستند. البته این‌جامعه بزرگ که بیش از یک میلیون جمعیت دارد در امور اولیه خود مانده است و هنوز خیابان‌ها و ساختمان‌ها برای حضور آنها آماده‌سازی نشده است. کمترین خدماتی که به آنها ارائه نمی‌شود، خرید یک عصای هوشمند است که حداقل ۱۷ میلیون تومان برایشان هزینه برمی‌دارد. نه خدمات خاصی از سوی شورای شهر و شهرداری برخلاف دیگر شهرهای جهان برایشان ارائه می‌شود و نه از سوی سازمان بهزیستی مورد حمایت قرار می‌گیرند. کسی هم جواب‌گوی عدم حمایت‌ها نیست؛ اما در این‌مطلب قرار است به موضوعی بیشتر از نیازهای اولیه زندگی ناینیان پرداخته شود و این سؤال مطرح شود که «جامعه بزرگ ناینیانسان ایران تا چه میزان از امکانات فرهنگی برخوردار است؟».

#### ۴ مرکز برای یک میلیون نفر

در کلان‌شهر تهران شاید بتوان گفت که چهار مرکز بزرگ و مهم برای در اختیار قراردادن کتاب‌های گویا برای ناینیان وجود دارد. کتاب‌هایی که منبع و کتاب درسی ناینیانان علاقه‌مندان به دانش روز است و برای درس دانشگاهی خود نیاز به خواندن و مطالعه آن دارند. کتاب‌هایی که با همت خودشان، گویا شده تا بتوانند برای درس دانشگاهی خود بخوانند. کاملاً مشخص است که فقط چهار مرکز برای تهیه این کتاب‌ها، نسبت به جامعه بزرگ ناینیانان چقدر محدودیت خدمات را به دنبال خواهد داشت؛ هرچند همین چهار مرکز هم با مشکلاتی مواجه هستند. درحال‌حاضر مؤسسه رودکی که زمانی زیرمجموعه بهزیستی بود و حالا به مرکزی خصوصی تبدیل شده است، با کمبود بودجه رویه‌روست و از تعداد افرادی که پیش‌تر در این مرکز حضور داشتند، فقط دو کارمند باقی مانده است و تمام وظایف را برعهده دارند. یکی از نکته‌هایی که سبب ناراحتایی برخی ناینیانان شده است، انتقال آرشپو و رشته‌های این مؤسسه به کتابخانه ملی است که انکار در دستور کار قرار گرفته است. برخی ناینیانان نسبت به این تغییر اعتراض دارند و معتقدند کتابخانه ملی و فضایش اصلاً مناسب حال ناینیانان نیست و دسترسی آنها به این آرشپو در صورت انتقال بسیار اندک و مشکل خواهد بود. کتابخانه دانشگاه تهران یکی دیگر از این مراکز است که به نظر می‌رسد مسئول چندان علاقه و آگاهی نسبت به سهولیت خود در این زمینه ندارند و مسائل دیگر را بر گویاکردن ارجح می‌دانند. همچنین کتابخانه حسینیه ارشاد که به بهانه کرونا دیگر تلاششی برای گویاکردن کتاب‌ها انجام نمی‌دهد و علاقه‌ای ندارد که امکانات و خدماتی را که پیش‌تر برای ناینیانان برای گویاکردن در اختیارشان قرار می‌داد، بازمسئول شده. در میمان این چهار مرکز تنها می‌توان کتابخانه ناینیانان حسینیه ارشاد و مرکز خدمات‌رسانی ناینیانان رودکی را صاحب کیفیت قابل قبولی دانست؛ اما آنچه در کتابخانه دانشگاه تهران در این‌میان این است که دو مرکزی که کیفیت بهتری دارند، کم‌وبیش در حال نابودی بخش ناینیانان هستند. مؤسسه رودکی که وابسته به بهزیستی است، اعلام کرده که دیگر بودجه‌ای برای گویاکردن کتاب‌ها ندارد و حسینیه ارشاد هم با تغییرات صورت‌گرفته در هیئتمدیره وضعیت کتابخانه ناینیانانش را راکد گذاشته است؛ اما در مقابل کتابخانه ملی بدون اینکه روی کیفیت کتاب‌هایش تمرکز کند، درصدد افزایش داشته‌هایش است.

#### چند مشکل برای گویاکردن کتاب

دراین‌میان می‌توان مشکلاتی را که بر سر راه گویاکردن کتاب‌هاست، در چند بخش تقسیم کرد. نخست اینکه گویاکردن کتاب‌ها با مشکلات حقوقی همراه است. بسیاری از این مشکلات از سوی انتشارات یا مترجم‌هایی است که خودشان از نویسنده کتاب هم برای ترجمه آثارش اجازه نگرفته‌اند؛ اما همان‌ها وقتی قرار است کتاب در اختیار ناینیانان قرار بگیرد، برای آن چالش‌های حقوقی ایجاد کرده‌اند. البته شاید این مشکل به‌سادگی با صحبت‌کردن با ناشران حل شود؛ ولی به هر حال باید راهی هم برای حل این مشکل پیدا کرد و جامعه ناینیانان را از خواندن و بهره‌بردن از کتاب‌ها محروم نکرد. نکته بعدی کیفیت گویاکردن کتاب‌هاست. در برخی از مراکز یادشده کتاب‌ها چنان برغلط، اشتباه و با سرعت زیاد به نسخه صوتی تبدیل شده‌اند که شنیدن‌شان زیاد عذاب‌کشیدن نتیجه‌ای برای شما ندارد. حتی یکی از این مراکز چند نمونه از کتاب‌های ترجمه‌شده خود را به نسخه فارسی تبدیل کرده که در آن اشتباهات فاحشی وجود دارد. وقتی هم که به آنها اطلاع می‌دهیم که اشتباه در کار فراوان است، با تندی جواب می‌دهند و مسئله را نمی‌پذیرند. نکته دیگر این است که وقتی گویاکردن کتاب‌ها برای ناینیانان تنها در اختیار یک سازمان قرار بگیرد، دیگر معلوم است چه بلایی بر سر تنوع موضوعات و کتاب‌ها می‌آید. اعمال سلیقه مشخص موجب می‌شود که دسترسی ناینیانان با سلائق مختلف به کتاب‌ها تنها از منظر آن سازمان و نگاه باشد که طبیعی است چه محدودیت‌های بزرگی برای ناینیانان ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد رسیدگی و تلاش بیشتر برای بهبود شرایط ناینیانان وظیفه‌ای است که نهادها و مراکز مسئول نباید فراموش کنند.

sharghdaily1